هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و چهارم ۱۰میزان ۱۳۹۰ ٤ دوالقعده ١٤٣٢ – 2 October 2011



جمعیت اسلامی افغانستان

شهادت رهبر جهاد ومقاومت را به ملت مسلمان افغانستان و امت مسلمه تسلیت و تعزیت می گوییم.







لحظه ها و صحنه هایی از:
مراسم تشییع پرشکوه پیکر مطهر رهبر بزرگ





شهید استاد ربانی، متفکر عملگرا

عبدالحفیظ همام



استاد شهید، پروفیسور "ربانی" را میتوان از شاخص ترین چهرهٔ ماندگار تاریخ معاصر افغانستان دانست. شخصیت استاد شهید را از جوانب متعدد می توان مورد بررسی قرار داد. از یک سو به عنوان یک مبارز سیاسی و مصلح اجتماعی و از سوی دیگر به عنوان یک اندیشمند و روشنفکر دینی. این دو بُعد در شخصیت وی همواره همراه یکدیگر بوده است ، و این همراهی از او یک "روشنفکر دینی عملگرا" می سازد.

دریـن عجالـه نمی شود روی خصلت های فطری، کرکتر و شخصیت ذاتی، کار مبارزاتی و سیاسی استاد، که ابعاد بسی گسترده و جوانب متعددی دارد قلم فرسایشی کرد. و بتوان با این چند سطور از عهدهٔ پیچ و خم مبارزه و فراز و نشیب حیات سیاسی و انقلابی وی بدرآمد. ولی به عنوان قطره ای از یک بحر مواج بیکران صرف نکاتی را– به حیث کسی که افتخار پیروی خط فکری ایشان را دارد– در ارتباط به فکر و اندیشهٔ استاد، که محور اندفاع و جهش مبارزاتی ایشان است اشاره کنم.

استاد، در همه زندگی اش به دنبال اثبات حقانیت اسلام و ارائهٔ قرائت متوازن و معتدل از اسلام و بالآخره حاکمیت اسلام در همه ابعاد زندگی به عنوان یگانه راه بیرون رفت از ناهنجاری های جامعهٔ بشری بود. مبارزهٔ پیهم و خستگی ناپذیرش برای رهایی ملت خزیده در جهل و فقر و سر و سامان بخشیدن به بی عدالتی ها و ناگواری های جامعه اش، از وی یک مبارز دلیر و خستگی ناپذیری می سازد، که به حق میتوان وی را الگوی از یک روشنفکر دینی و متفکر عملگرا دانست. البته این دغدغه در قالب های سنتی فقه، عرفان و فلسفه ظهور و بروز نمی یابد؛ بلکه در واقع آموزه های عملی و تفکر تجربی درونمایهٔ تأملات دینی او قرار می گیرد. پس او را به درستی می توان فرزند زمان خویش و روشنفکر دینی عملگرا خواند.

برای درک بهتر ایشان و پی بردن به نقش و اهمیت وی در فراز و نشیب جامعهٔ آسیب دیده و از هم گسسته مان، باید به زمینهٔ تاریخی که او در آن حضور داشت رجوع نمود. اگر این گفتهٔ "هگل" را بپذیریم که «فلسفه، زمانهٔ خویش را اندیشیدن است» پس می توان استاد را نیز فیلسوف نامید. همچنان که امروزه متفکری مانند "ریچارد روتی" با این استناد، طیف خود را فیلسوف می داند ؛ آنگاه که پراگماتیسم و تجربه گرایی تنها فلسفهٔ حقیقی و مقدم بر سایر فلسفه ها شناخته شود.

آشنایی استاد با ایدیولوژی های وارداتی و نظام های اقتصادی، سیاسی و ایزم های بیگانه از فرهنگ و جامعه، که در آن مقطع زمانی رونق و بازار گرم داشت، استاد را که یک "مسلمان معتقد" و متفکر دردمند بود، به اندیشه در مورد علل تفوّق غرب و عقب ماندگی و انحطاط جهان اسلام وا می دارد. استاد به عنوان چهرهٔ پیشاهنگ نسل خود دردها و نابسامانی های جامعهٔ خویش را عمیقاً درک می نماید و راه بیرون رفت و درمان ناگواری ها و ناهنجاری های جامعهٔ خویش را تنها در اندیشهٔ پر بار اسلام می بیند؛ از همین رو، در بازگشت خود از قاهره بعد از پایان تحصیلات عالی اش، تلاش می کند اسلام را با ارزش های مدرن پیوند دهد. و با انگیزه دفاع و تبلیغ آموزه های اسلامی و ایجاد پیوند میان علم و دین، روشنفکری دینی را تحت نام "نهضت جوانان" با چندی از یارانش در افغانستان پایه گذاری می نماید.

مسائل مورد توجه استاد، اصلاح و احیای دین و بازگشت به قرآن، رابطه علم و دین، دین و دنیا، دین و سیاست، انسان شناسی، آفت شناسی دین، مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعهٔ افغانستان و ملل اسلامی، و نحوهٔ برخورد با غرب و شرق و بالاخره دفاع امروزی از دین اسلام هست.

مهمترین ویژگی استاد درین مرحله بعد ایدیولوژیک وی در دفاع از اندیشهٔ اسلامی در برابر اندیشه های وارداتی چپگرا و مبارزه برای رفع عقب ماندگی کشورش خلاصه می گردد. در این مرحله، استاد برای رفع این انحطاط و ایجاد حرکت و رشد در جامعه اش، به آگاهی دینی و دعوت به بازگشت به اسلام در میان طیف جوانان و به ویژه جوانان دانشگاهی می پردازد.

افکار وارداتی چون جریان های مارکسیستی و مائوویستی، که یک دوره، مهمترین رقیب برای اندیشه دینی و اسلام به شمار می رفت و از همان ایام بسیاری از متدینین را به خود مشغول کرده بود، و مهمترین کار ایشان در مقابله با پدیده های بیگانه از فرهنگ جامعه، ردّ علمی و عملی جریان های چپی و مبارزه برای برتری آیدیولوژی ناب اسلام و گزینهٔ اسلام محوری است که افکار و نظریات ایشان، در نبشته های شان در مجلهٔ "پیام حق" و مجله شرعیات مربوط به دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل، ترجمهٔ بخشی از " فی ظلال القرآن" و رساله های چندی از ایشان، بازتاب می یابد.

خلاصه، ویژگی شاخص خط مبارزاتی استاد شهید، بستر "ایدئولوژی اندیشی" ایشان است . بدون شک ایدئولوژی اندیشی سابقهٔ تاریخی طولانی در اندیشه سیاسی مسلمانان دارد. در اسلام از نظر روند تاریخی، در آن وحدت دین با دولت گره خورده و به طور کلی "اندیشه" در شکل ایدئولوژیکی اش با دین و سیاست پیوند ناگسستنی داشته است.

استاد شهید، توجه خویش به ایدئولوژی را برای آن می داند که نشان دهد چگونه می توان از قرآن و سنت، جواب مسائل اجتماعی و سیاسی و آن چه را که به عنوان ایدئولوژی ارائه داد عرضه نمود. از نظر استاد، ایدئولوژی حاوی هدف، مکتب، روش، تاکتیک، برنامه و نوعی معیار فکری حاکم بر افکار و اعمال اجتماعی است. و ازینرو، حکومت را شامل و حاکم بر تمام مصالح دنیوی و اخروی می داند. وی سعی می ورزد با تاکید بر جامعیت اسلام، آن را در تمام شئون زندگی صاحب نظر و دارای برنامه بداند.

در اخیر از بارگاه ایزد متعال، برایشان طلب آمرزش می نمایم، و پروردگار بهشت برین را جایگاه همیشگی شان گرداند! روح شان شاد و یادشان گرامی باد.

تعدادی از کادرهای جمعیت اسلامی تشکیل جلسه دادند

روز چهارشنبه ۶ میزان ۱۳۹۰ نخستین نشست اعضای جمعیت اسلامی افغانستان در دفتر مرکزی تدویر یافت. این نشست پس از یک هفته از شهادت استاد، در ارتباط با تعیین سرپرست جمعیت اسلامی برگزار گردید. در ابتدا اشتراک کنندگان پیرامون شخصیت والای رهبر شهید به بحث و سخنرانی پرداختند.

در جلسهٔ متذکره بر علاوهٔ عدهٔ زیادی از افراد بلند پایه و اعضای شورای رهبری، شورای اجرائیه وشورای عالی که در آیندهٔ نزدیک از طریق برگزاری کنگره تعیین خواهند شد، به گفتگو پرداختند.

در این جلسه، فیصله گردید که درآیندهٔ بسیار نزدیک همایش بزرگتری در کابل دایر و درآن سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان معرفی خواهد شد. برخی از اشتراک کنندگان پیشنهاد داشتند، مجمع عمومی جمعیت اسلامی مطابق به دساتیری که جناب رهبر عالقدر در زمان حیات شان اعطا کرده بودند، در آیندهٔ نه چندان دور تدویر یابد.

نشست روز چهار شنبه با تلاوت آیاتی ملکوتی از کلام الله مجید بر روان رهبر عالیقدر، پایان یافت.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

فکر و موقف استاد شهید

محمد نسیم فقیری

زعامت و رهبری:

استاد شهید در آخر حمل ۱۳۵۲ در شهر کابل در جلسهٔ سران و وفاداران جمعیت اسلامی به حیث رهبر تعیین شد و پوهاند غلام محمد نیازی نیز چنین طرحی داشت و تمایل به رهبری استاد شهید داشتند. در همین جلسه، پوهاند سیاف به حیث معاون برگزیده شد و شهید انجنیر حبیب الرحمن به حیث منشی انتخاب گردید و این مطلب را ما چندبار گفته ایم و در تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان نیز تحریر گردیده و بعداً جناب استاد سیاف و در مراسم فاتحه استاد شهید به روز پنجشنبه۳۱ سنبله ۱۳۹۰ ضمن بیانیهٔ شان اشاره کردند.

این موضوع را آقای حکمتیار در تاریخچهٔ مختصر حزب اسلامی افغانستان در سال ۱۳۵۷ نوشته و بعد دستور داده بود تا زیر سطرهایی که خط سرخ کشیده شده، باید صرف نظر شود... حکمتیار نوشته بود! برادران، استاد ربانی را به حیث رهبر انتخاب کردند ولی چون فاقد روحیهٔ انقلابی بود، بعد ها برادران تصمیم گرفتند تا حکمتیار جانشین او شود...

استاد شهید از آن زمان تا روز شهادت به حیث رهبر جمعیت اسلامی بودند. استاد سال ها کوشیدند و جمعی از افراد جمعیت تلاش کردند تا هر چه زودتر کنگرهٔ دایر شود و اعضای جمعیت در مورد رهبری، تصویب اساسنامه و... به توافق برسند... در این روز ها کار تدویر کنگرهٔ جمعیت، سرعت یافته بود و حتی استاد شهید تاریخ ۲۵ میزان را در نظر داشتند...

استاد در کنار رهبری جمعیت، همواره فکر افغان شمولی راهم درنظر داشتند و در زمان حاکمیت داوود خان، محاذ مشترک ملی را اعلام و شبنامه ها را تحت این نام در افغانستان پخش نمودند...

پس از کودتای هفت ثور، استاد ربانی به حضرت صاحب صبغت الله مجددی که در دنمارک اقامت داشتند، پیام دادند تا به پشاور بیایند و جبههٔ ملی نجات افغانستان را بنیان بگذارند و همان بود که استاد شهید سمت معاونت جبهه را پذیرفتند و آقای مجددی در رأس جبهه قرار گرفت...

استاد در نظر داشت و همه خطرات احتمالی را می دانست که دنیا و قدرت های بین المللی توان پذیرش حاکمیت احزاب اسلامی را ندارند و از پیروزی نهضت های اسلامی جلوگیری می نماید. پس استاد می خواست تا چنان وانمود سازد که همه طبقات مردم و همه جهت ها در یک صف و یک سنگر برضد نظام حاکم قرار دارند و ما تنها نیستیم... به همین منظور، تماس و ارتباط استاد با تمام عناصر ضد نظام در داخل و خارج کشور در تماس شدند و خود و یا نمایندگان شان به صورت دایم در تماس بودند تا این واقعیت را نشان بدهند که همه مردم دریک صف اند و تعداد قلیلی از افراد و نیروهای که با مردم و تاریخ و عنعنات مردم ارتباط ندارند و دارای افکار وارداتی هستند و همیشه روی این موضوع تاکید داشتند...

کارفکری و فرهنگی:

استاد شهید، همیشه بیان می داشتند که باید افراد مسلمان، جامعه اسلامی و بعد دولت اسلامی تشکیل گردد. تاکید و فشار استاد روی کار فکری و فرهنگی و حتی در سال های جهاد مسلحانه این بود تا مجاهدین قبل ص۵

متن سخنرانی سترجنرال عطا محمد نور والی ولایت بلخ و از اعضای پیشتاز جمعیت اسلامی افغانستان، در مراسم بزرگداشت از مقام والای شهادت و یادبود از استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی، رهبر جهاد و مقاومت و صلح مردم افغانستان



استاد نور:

انتقام خون رهبر شهید را می گیریم

حضار محترم، شخصیت های عالیقدر و بزرگان حاضر در مجلس!

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته:

نخست از همه، شهادت جانگداز و المناک رهبر شهید را به فرد، فرد شما عزیزان و خصوصاً به فرزندان عزیز رهبر شهید و به همسنگران، یاران، همفکران و به کافه ملت افغانستان و امت مسلمه تسلیت عرض می کنم. امیدوار هستم که با شهادت این پیر خردمند، مرد تاریخ، مرد جهاد و مقاومت و بلآخره مرد صلح که صادقانه نیم قرن از عمر گرانبهای خود را برای آزادی کشورش، برای انگیزه دادن و درس آزادمنشی به ملت و کشورش، برای ترویج دین مبین اسلام و برای بذر صداقت و خدمت به احاد ملت، صادقانه کوشید و بلآخره خونش به قدم ها و پای های مردمش ریخت و خود را فداکرد، جنگ از این کشور رخت بسته کند و اتحاد و همبستگی جای شقاق، افتراق، نفاق و آنچه را که بیرون از مرز های کشور، توسط نوکران و خود فروختگان داخلی به کشور وارد می شود و از ملت قربانی می گیرد و مصیبت به استقبال ملت می آید.جای این بد بختی ها را صلح، وحدت و همبستگی بگیرد. مصؤنیت و امنیت بیاید.

دوستان عزیز!

بسیار مشکل است که درین فرصت کم بتوانم در مورد سجایا، اخلاق، خصایل و شخصیت رهبر بزرگ، مرد دانشمند سنگر و سیاست، حرف بزنم، آنانی که قلم توانمند دارند، اندیشه وانگیزه بلندبالای استاد شهید را می نگارند.من درچند نکته می خواهم تاکید داشته باشم. ما در رابطه به شهادت رهبرخود تحقیق می خواهیم، ما با اشک ریختن و با اناالله وانا الیه راجعون خواندن نمی شود که از همه ی ناجوان مردی ها و دشمنی ها و خیانت های صورت گرفته عبور کنیم. نمی شود با اشتراک درجنازه و مراسم فاتحه و با تسلیت گفتن ها انتظار این را بکشیم که همه ی مسایل تکمیل شده و همه با ما همدرد هستند. و ما می خواهیم که ریشه این قضیه معلوم شود. مامی خواهیم آنانیکه درین جنایت و خیانت نابخشودنی دست دارند، شناسایی شود و روی آنها سیاه گردد. ما نمی خواهیم خون شهدا، رهبران و فرزندان صدیق این وطن به هدر برود.چنانچه تا هنوز پرونده ی شهادت قهرمان ملی در حالـه ی از سکوت است و به ملت گزارش و سفارش داده نشده که کار به کجا کشیده وآنها کی ها بودند و از کدام طریق به آغوش قهرمان ملی رسیدند. مانمی خواهیم که بایک فاتحه خوانی ازین جنایات عبور کنیم و انتظار بکشیم که پیهم یکدیگر ما را بکشند و با دست های خودمان همدیگر مان را دفن کنیم؛ و ما بگوییم قهرمان داریم و شهید شدیم و این خدمت ما به خاطر ملت بوده، بلی خدمت بخاطر ملت بوده ولی ما نمی خواهیم دشمنان ما به این ساده گی بر ما موفق شوند و این سرزمین مرد خیز را دچار توهم نمایند، مردان پیکار را از ما بگیرند و سران مدافع را به شهادت برسانند، آنانی که از کشور دفاع می کنند.کشور را حمایت می کنند و مردم را بسیج می سازند و این ظرفیت را دارند، از میان بردارند. بلآخره این سلاح را هم از ما بگیرند و قربانی کنند و دیگران مانند رمه ی گوسفند بر ما چوپانی بکنند. ما می خواهیم که از شهادت خان محمدخان مجاهد گرفته تا ملک زرین؛ از داوود جان شهیدگرفته تا مولانای سیدخیلی، از مولانا شاه جهان نوری گرفته تا همه کسانی که شهید شدند، چی در گذشته با شهادت قهرمان ملی چی امروز که بزرگترین قربانی را از ما گرفتند، رهبر ما را از ما گرفتند، خاموش بنشینیم. هرگز! نه، ما می خواهیم از راه اصولی و منطقی پیش برویم. ما می خواهیم که با استفاده از حقوق مدنی خویش و با بهره گیری از مزایای دموکراسی و بلآخره حقی که ما به حیث انسان داریم از قطره قطره خون شهیدان عزیز خود دفاع وحمایت خواهیم کرد. از همه شهدای گذشته ی خود حمایت و در خواهیم یافت که لکه های قطرات خون مقدس شهدای ما در دامان کیست؟در دامن هرفاسدی که باشد، در دامن هرخاینی که باشد و دامن هرجنایت کاری که درین شهادت های زنجیره یی، آلوده است، باید شناسایی شود. من در اولین پیام خود در اولین لحظه ای که رهبر بزرگ ما شهید شد، نه مصلحت را در نظرگرفتم و نه چوکی و موقف را، گفتم انتقام خون رهبر شهید خود را می گیرم و این بی جواب نمی ماند. ما نمی خواهیم که بزدلانه خود را به زمین بگذاریم و شمشیر جلاد به ترتیب به گردن هریک ما گذاشته شود. ما می خواهیم مردانه، قامت برافراخته، جوانمردانه و بلآخره عیارانه ایستاده باشیم و از کشور و مردم خود دفاع کنیم، از ملت، از آرمان های جهاد و مقاومت خود، از ارزش های دینی و ملی خود و هم از شخصیت های خود حمایت بکنیم.

دوستان عزیز! بزرگان و مردم شریف کشور!

من نمی خواهم صحبت بیشتر و عاطفی داشته باشم. من می دانم که با وجود شهادت بزرگترین منادی صلح و رهبر شهید، حرکاتی صورت می گیرد و معنی اش این است که باز هم با این گروه شیطانی، صلح صورت گیرد. صلح یک امر الهی است.صلح یک امر اسلامی است، صلح یک امرانسانی است، ما بادل و جان، گوشت و پوست و با خون خود، صلح را قبول داریم، و اما صلح باچه کسی؟ صلح با آنانی که به صلح ارزش قایل نیست و صلح را یک امر و یک ضرورت انسانی در جامعه و کشور نمی پندارند و اصلاً صلح را نمی شناسند، صلح با اینها؟ما هروزی که می گذرد، هرماه و سالی که می گذرد، بزرگترین شخصیت های خود را قربانی می دهیم. هم امتیاز می دهیم، هم پول می دهیم، هم دست دراز می کنیم، هم برادر خطاب می کنیم، هم وطندارمی گوییم، هم مسلمان می خوانیم و هم دعوت می کنیم و سر انجام ما را قربانی می گیرند.به اطفال ما رحم نمی کنند به زن ها رحم نمی کنند به علمای ما رحم نمی کنند و حتی به مسجد هم رحم نمی کنندکه یگانه عبادت گاه خداوند است.آنانی که از جاده ها می گذرند، به مارکیت برای خرید می روند، مورد خشم این جنایت کارانی که ما به آنها برادر می گوئیم و رهایش می کنیم، قرار می گیرند.

مردم عزیز! علمای بزرگ! این را بدانید: اگر همه عناصر ضد اسلام، دست را یکی می کردند و صدها و میلیون ها و حتی تریلیون دالر مصرف می کردند اینقدر که اینها اسلام را بدنام کردند.آنها نمی توانستند. از چادر زن استفاده کردند از لباس زن بزدلانه استفاده کردند از لنگی که مظهر روحانیت در کشور و سمبول ملی و اسلامی ماست، استفاده کردند و بدنامش کردند. ما باکدام منطق قبول شان کنیم؟و با آنها صلح کنیم؟ ما به صلح باور داریم. اعتقاد داریم، به صلح اعتماد داریم. صلح نیاز مردم ماست. صلح ضرورت ماست، اما با این انسان های صفاک و خونخوار و آدمخوار نمی شود صلح کرد. و این هم نهایت دور از خرد و منطق انسانی و سیاسی است که از یک جانب ما را قربانی بگیرند و ما با عذر کردن برای شان صلح پیشنهاد کنیم. صلح باکسانی که منطق صلح دارند، پذیرفتنی است.

دوست های عزیز! حرف هایی در مورد جمعیت اسلامی شنیده می شود. جمعیت اسلامی یک حزب فراگیر و گستردهٔ ملی در سطح کشوراست. از همه اقوام و ملیت ها درین آئینه خود را می بینند واینجا جا دارند. جمعیت اسلامی یک دارالانشاء دارد. باقلم رهبر شهید صد و چند نفر موظف به تدویر کنگره جمعیت اسلامی، شده بودند، ما همان راه را ادامه می دهیم و اینها به شکل نورمال کار خود را تا زمان تشکیل کنگره به پیش ببرند. خواهش من اینست منحیث یکی از اعضای جمعیت که کنگره ی جمعیت را دایر کنند و هزاران نفر را جمع تا آنها تصمیم بگیرند که سرنوشت آینده جمعیت چی می شود. چون خبرنگاران چیزهایی درین رابطه پرسان می کنند و پیش مردم و شخصیت های مختلف سوال وجود دارد و تاکید من منحیث عضو وفادار جمعیت بر این است که من رهبر شهید را پدر می خواندم و به او پدر معنوی خطاب کرده بودم و هیچ وقت من نخواستم که به جزئی ترین حرکت من خم ابرو به پیشانی و چشم های این بزرگ مرد بیاید. من به این حد به او احترام داشتم. لذا خواهش من از همه اعضای محترم جمعیت، از اعضای رهبری و دارلانشای جمعیت اسلامی اینست که کار خود را بگونه نورمال پیش ببرند. مرد و مردانه ایستادگی بکنند و همت بگمارند که تاکنگره را دایر نمایند و این ملت است که باز تصمیم بگیرند که کی در چه سطحی قرار گیرد.

دوست های عزیز! آیا قبول دارید که پیهم یکی پی دیگری یاران تان را توسط دستان خودتان دفن بکنید. و خاموش باشید. ما درحمایت نظام هستیم دوست ها حرف من ضد نظام نیست از نظام حمایت می کنیم. در تضعیف نظام جزئی ترین و ساده ترین قدم برنمی داریم ولی نمی خواهیم که ما بی سر هم سویم و نمی خواهیم همیشه قربانی بیهودهٔ اهداف دشمن شویم. حرف من اینست اگر ارگان های کشفی و امنیتی ما نمی توانند امنیت بگیرند و توانایی ندارند، پس به مردم جواب خوب ندارند. مجاهدین مردانه بنشینند و برای حفظ آزادی کشور و امنیت کشور تصمیم بگیرند و نظام هم بجای خود بماند. و اصلاحات لازم دیگر هم بباید درغیر آن انتظار بکشید که به همدیگر گریه کنیم، اشک بریزیم و با دست های خود یکدیگر را دفن شان کنید.

صلاح الدین ربانی سفیر افغانستان در ترکیه، پسر ارشد استاد برهان الدین ربانی در تشییع جنازهٔ رهبر جهاد و مقاومت:

عاملان ترور استاد جداً شناسایی و محاکمه شوند



جلالتمآب حامدکرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان، معاونین محترم ریاست جمهوری، رهبران محترم جهادی، اعضای کابینه، اعضای محترم شورای ملی، مهمانان عالیقدر، سفرای محترم، ملت مجاهد، مبارز و افتخار آفرین افغانستان!

السلام علیکم ورحمةُ الله و برکاته

قبل از همه حضور صمیمانه شما را در مراسم جنازهٔ رهبر بزرگ جهاد، مقاومت و صلح مردم افغانستان که به دست کوردلان جاهل و بی رحم مظلومانه به شهادت رسید، سپاسگزاری می نمایم.

افتخار دارم که امروز فرزندان استاد شهید به صف دیگر فرزندان شهدای پرافتخار افغانستان عزیز پیوستند.

امروز ما شاهد بزرگترین و غم انگیز ترین رخداد در مقطع حساسی از تاریخ سیاسی جهان معاصر قرار داریم که کانون خانواده جهان، یکی از مبارزان توانا و با نبوغ راه آزادی، استقلال، شرف، عزت و صلح بشری را از دست داد.

پروفیسور برهان الدین ربانی یکی از شخصیت های برازنده تاریخ آزادی خواهی و حامی وحدت ملی افغانستان، حدود نیم قرن از زندگی خویش را در راه دفاع از ارزش های اسلامی، تحکیم پایه های عدالت و صلح، تقویت پایه های اعتماد میان اقوام ساکن در کشور، پاسداری از اصل آزادمنشی، و ایجاد روحیه دوستی و برادری افغانستان با همسایگان، منطقه و جهان صرف کرد و در این راه از هیچ گونه تلاش و کوشش دریغ نکرد.

رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان به عنوان طلایه دار نهضت اسلامی، تأمین عدالت اجتماعی و مبارزه به خاطر آزادی ملت های دربند را یکی از اولویت های مبارزات خستگی ناپذیر نهضت اسلامی می دانست.

رهبر شهید پیوسته اصرار می کرد که شکست، تسلیم و عقب نشینی در قاموس مکتب انسانی اسلام وجود ندارد. برای توصل به هدف که همانا در هم شکستن هِرمِ استبداد، استعمار و اختناق ملت هاست، باید راهبُرد دینی را برگزید و در این مسیر باید از ابزار مشروع استفاده کرد.

استاد شهید در حالی که احترام و پایبندی به قوانین و مقررات بین المللی را یکی از اصول زندگی به هم تنیده جوامع بشری دردنیای امروز می دانست، او به هیچ فردی، گروهی و دولتی حق مداخله در امور افغانستان را نمی داد.

استاد فقید رهبری رستاخیز جهاد حماسه آفرین ملت سر افزار افغانستان را به عهده گرفت و بیش از ۵۰ سال زندگی خویش را در راه مبارزه برای آزادی افغانستان عزیز و تشریک مساعی برای صلح جهانی سپری کرد وبرای تحکیم پایه های صلح، ثبات در افغانستان و منطقه تلاش های زیادی بخرچ داد و به همین منظور برخورد مسالمت آمیز با همسایگان را همیشه در سرلوحهٔ کارش قرار داده بود.

استاد شهید بعد ازسرنگونی رژیم متحجر طالبانی و شکست هراس افگنان، بنابر فیصله سازمان ملل متحد، قدرت را به ادارهٔ موقت سپرد. این کار استاد عزیز نخستین تحویل دهی مسالمت آمیز قدرت در تاریخ سیاسی معاصر افغانستان بود. او یک بار دیگر ثابت ساخت که برای تحکیم ثبات و آرامش، آماده هرنوع ایثار و فداکاری است.

تقاضای ما به عنوان سنگرداران و فرزندان استاد شهید، از دولت افغانستان این است که در مورد پیگرد عاملین شهادت وی از هیچ نوع تلاش دریغ نورزند. ملت افغانستان در موفقیت پروسه صلح با عزت، با حفظ ارزش های جهاد و مقاومت که نیاز مبرم کشور عزیزمان است، با دولت افغانستان و جامعهٔ جهانی همکاری خواهند کرد.

برادران و خواهران! اگر امروز رهبر پر افتخار جهاد و مقاومت مردم افغانستان در میان ما نیست، اما مکتب فکری او، مشعلی برفراز راه پیروان او، و رهروان راه عدالت و آزادی همچنان می درخشد.

ما مطمئن هستیم که راه جاودانه و آرمان والای شهداء، راه عدالت و آزادی ملت مجاهد و حماسه آفرین افغانستان است.

در پایان یک بار دیگر به نمایندگی از خانواده رهبر شهید، جمعیت اسلامی و همه راهیان مکتب فکری وی از حضور شما مهمانان محترمی که به نمایندگی از کشور های مختلف منطقه و جهان و از شرق و غرب، شمال و جنوب افغانستان عزیز در این مراسم گردهم آمده اید، صمیمانه ابراز سپاس می نماییم.

والسلام علیکم ورحمةُ الله

نقش رقابت پاکستان با هند در شهادت استاد ربانی

* وحید مژده

شهادت مظلومانهٔ استاد برهان الدین ربانی در راه صلح، نه تنها قلب دوستانش بلکه قلب صلح دوستان در سراسر جهان را غرق اندوه و ماتم ساخت. در این رابطه سوال های زیادی مطرح است مثلاً اینکه چه کسانی این نقشه را طرح کردند؟ با استاد چه دشمنی داشتند؟ و آنهائی که دست به این خون پاک آلودند، چه هدفی را دنبال می کردند؟

این حسرت در دل ها باقیست که می شد از این کار جلو گرفت اما به امنیت جان استاد توجه جدی نشد... و خود را تسکین می دهیم که چون اجل فرا برسد نمی توان از آن جلو گرفت. لایستاخرون ساعة ولا یستقدمون...

استاد و شورای عالی صلح:

استاد بعد از به میان آمدن شورای عالی صلح به ریاست آن برگزیده شد. شیوهٔ کار در شورای عالی صلح از همان آغاز کار بر بنیاد شفافی نهاده نشد به این معنی که از همه اعضای این شورا خواسته شد تا هر کدام شان از امکانات خود برای رابطه با طالبان استفاده نمایند تا زمینه برای تماس ممکن گردد.

از همان آغاز کار این شورا، اعلام این مطلب که امریکا به امر صلح در افغانستان کمک خواهد کرد، و برای این کار صدها میلیون دالر تخصیص داده است، این شورا را به محلی برای زدوبند ها به منظور دستیابی به منافع مادی مبدل کرد.

این مسئله حتی موجب اعتراض از جانب صبغت الله مجددی گردید که می گفت وی در طول چند سال گذشته در همین راستا با دست خالی کار کرده و دست آوردهائی هم داشته است و اکنون باید از پول هائی که به شورای عالی صلح رسیده است، مقداری به وی نیز داده شود.

این شیوهٔ کار موجب گردید تا عده ای به امید به دست آوردن امتیاز در تلاش رابطه با طالبان گردند. طبعاً کسانی که سابقهٔ کار با طالبان را داشتند، از امکان بهتری برای ایجاد چنین رابطه نیز برخوردار بودند. در این جلب و جذب ها مسئلهٔ منافع مادی هم مطرح بود و به همین دلیل هرکس که تماسی را با جانب مقابل برقرار می کرد، می خواست آنرا از دید دیگران مخفی نگهدارد. در مواردی افرادی فقط به نام طالب با این شورا رابطه گرفتند، پول هائی به جیب زدند و رفتند.

استاد شهید را به ریاست چنین نهادی گماشتند تا روند مذاکره با طالبان را سمت و سو دهد و طالبان از همان آغاز با صدور اعلامیه ای، این شورا را یک نهاد امریکائی دانستند که از جانب پنتاگون تمویل می شود و کسانی که خود به صلح باور ندارند، در آن تجمع کرده اند.

طالبان بارها ثابت کرده اند که در سرسختی و پافشاری بر مواضع شان همتا ندارند. اما با وجود چنین تجربه و شناخت از آنان، عده ای در شورای عالی صلح به این باور بودند که می توان با رهبری طالبان در تماس شد. این گروه به این باور بودند که پروسهٔ کشاندن افراد رده های پائین طالبان زمان گیر است اما اگر با رهبری در تماس شویم و رهبری طالبان به این کار تشویق گردد، رده های پائین و جنگجویان از رهبری شان اطاعت خواهند کرد و در این صورت پروسهٔ صلح موثر تر و سریع تر تحقق خواهد یافت.

همیشه این سوال در رسانه ها مطرح می شد که شورای عالی صلح که بیش از یکسال از تاسیس آن می گذرد، چه کاری در جهت صلح انجام داده است؟ از زمان تشکیل این شورا به جای اینکه در ناامنی ها کاهش بعمل آمده باشد، مردم شاهد گسترش ناامنی و جنگ اند.

در این اواخر استاد شهید حملات لفظی تندی بر طالبان داشت و آنها را به عنوان گروهی که ارزش های دینی اهمیتی برای شان ندارد و حتی از اطفال نیز در راه مقاصد شان مانند حملات انتحاری استفاده می کنند مورد انتقاد شدید قرار داد. بیان چنین موضع تند از جانب کسی که در مقام رئیس شورای عالی صلح، باید روی برنامهٔ صلح با طالبان کار کند، نشان از دلسردی وی از موضع جنگ طلبانهٔ طالبان داشت که هیچ تمایلی به صلح نشان نمی دادند.



رابطه با هندوستان:

در ماه می ۲۰۱۱ من موهن سنگ صدراعظم هندوستان سفری به افغانستان داشت که بسیار با اهمیت تلقی شد. وی در این سفر با استاد برهان الدین ربانی نیز ملاقات داشت و روز ۱۳ می در پارلمان افغانستان سخنرانی کرد. صدراعظم هند ضمن قدردانی از مهربانی و محبت مردم افغانستان، سخنرانی اش را در پارلمان افغانستان افتخار بزرگی دانست که نصیب هر رهبر خارجی نمی گردد. براستی هم که چنین استقبال از یک رهبر خارجی در افغانستان کمتر سابقه دارد زیرا سخنرانی در پارلمان به معنی داشتن رابطهٔ نهایت نزدیک میان دو کشور است و با توجه به حساسیت پاکستان در این رابطه، این کار به معنی بی اهمیت شمردن حساسیت پاکستان از رابطهٔ نزدیک میان افغانستان و هند تلقی شد چیزی که پاکستان همیشه روی آن تاکید دارد.

شاید کسانی که در دولت افغانستان از اجازه دادن به صدراعظم پاکستان جانبداری کردند به این باور بودند که افغانستان حق دارد مطابق به منافع ملی خود در چنین موارد تصمیم بگیرد اما غافل از این بودند که منافع ملی باید با قدرت کشور مطابقت داشته باشد. به عبارهٔ دیگر اهداف سیاست خارجی نباید فراتر از قدرت کشور تعریف گردد.

شکی نیست که حضور نیروهای خارجی در کشورما، دست اندرکاران دولت ما را به این خیال خام انداخته است که می توان به پشتوانهٔ قدرت خارجی، سیاست خارجی خود را بدون درنظر گرفتن تعادل میان کشور های همسایه و منطقه تعریف کرد.

پاکستانی ها هرچند در ظاهر ناراحتی خود را از این اقدام دولت افغانستان ظاهر نساختند اما با توجه به رابطهٔ خوب میان دولت استاد ربانی و هند در دوران زمامداری استاد، به این باور شدند که چنین کاری به مشورهٔ شخصیت هائی از جبههٔ متحد در درون دولت افغانستان صورت گرفته است. خشم حلقه های خاص پاکستان متوجه همین عناصر شد.

صدراعظم هند از روند مصالحه حکومت افغانستان پشتیبانی نموده گفت که این به شما نماینده های ملت ارتباط دارد که آینده کشور تانرا بدون مداخلات خارجی رقم زنید و تصمیم بگیرید. این حق شما به عنوان کشور مستقل است و هند به هر انتخاب و تصمیم شما را احترام می گذارد. این سخنان وی را می توان اشاره به پاکستان دانست که مدعی است برنامهٔ صلح در افغانستان بدون همکاری پاکستان تحقق نخواهد یافت. صدراعظم هند در این سفر ابراز تمایل نمود تا هندوستان و افغانستان قرار داد استراتژیک با هم به امضا برسانند.

روزچهارشنبه ۱۲ جولای استاد برهان الدین ربانی در مقام رئیس شورای عالی صلح سفری به هندوستان داشت. رسانه ها خبر این سفر را چنین گزارش دادند:

برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح افغانستان در رأس یک هیأت ۱۷ نفری به هند سفر نمود تا با مقامات دهلی، جدید در مورد مذاکرات صلح افغانستان با مخالفین و طالبان صحبت نماید. آقای ربانی حین رسیدن به دهلی جدید در مورد نقش هند و اهمیت آن کشور در صلح و ثبات منطقوی صحبت نمود. قرار است آقای ربانی با من موهن سنگ صدراعظم هند و اس ام کرشنا وزیر خارجهٔ آن کشور ملاقات نماید. آقای ربانی در جریان سفر من موهن سنگ به کابل نیز با وی دیدن نموده بود.

صدراعظم هند در جریان سفر خود در افغانستان به شورای ملی آن کشور گفت که از مذاکرات صلح در آن کشور حمایت میکند. رهبر هند در گذشته از تلاش های حکومت افغانستان در مذاکرات نگران بود، اما در جریان بیانیهٔ خود در کابل اظهار اطمینان کرد که مذاکرات تحت ادارهٔ افغانستان مؤفق خواهد شد.

هند و پاکستان به حیث دو رقیب عمده در منطقه تلاش دارند ساحهٔ نفوذ شانرا در افغانستان با اعمال فشار سیاسی و همچنان راه اندازی برنامه های عمرانی توسعه دهند.

در رسانه های پاکستانی در مورد سفر استاد به هند مطالبی به نشر رسید از جمله اینکه استاد ربانی در این سفر ابراز تمایل نموده بود تا از تجربهٔ هند در مذاکرات با شورشیان کشمیری استفاده نمایند.

بنابراین آی اس آی استاد ربانی و همفکران وی را به عنوان عناصر خطرناک برای منافع پاکستان ارزیابی نمود که از تجارب گذشته و دشمنی با پاکستان درس نیاموخته اند. استاد باید حذف می شد.

حربه ای که باید به کار گرفته می شد همان برنامهٔ صلح بود و باید تبلیغ صورت می گرفت که طالبان خواهان صلح اند و می خواهند با شورای عالی صلح مذاکره نمایند. سخنان خانم هما سلطانی مبنی بر اینکه ملا محمد عمر در منزل وی بوده است را نیز می توان بخشی از همین ذهنیت سازی تلقی کرد. آقای معصوم استانکزی نیز به صورت خصوصی گفته بود که کسانی که می گویند طالبان خواهان مذاکره و صلح نیستند، به زودی در برابر حقایقی قرار خواهند گرفت که به آن باور نداشتند و مشکل جنگ در کشور حل خواهد شد.

اما هدف تنها کشتن استاد نبود بلکه باید این کار در زمان مناسب انجام می گرفت. پاکستان بعد از واقعهٔ حملهٔ بیست ساعته به سفارت امریکا در کابل، به شدت خشمگین بود و خود را تحقیر شده احساس کرد. وقتی با حضور بیش از یکصد هزار سرباز خارجی، وقتی سفارت امریکا در قلب شهر کابل مورد حمله قرار می گیرد، مردم در امریکا حق دارند بپرسند که ما در افغانستان مشغول چه کاری هستیم؟

امریکا پاکستان را به حمایت از گروه حقانی، متهم کرد و خواست علیه این گروه دست به اقدام بزند. لازم به تذکر است که طالبان گروه مستقلی به نام گروه حقانی را نمی شناسند اما به نظر می رسد که گروه حقانی رمزی میان امریکا و پاکستان است و منظور طالبانی است که مستقیما تحت امر آی اس آی فعالیت می کنند.

انتخاب زمان ترور:

این فشارهای بی سابقه از جانب امریکا بر پاکستان در شرایطی وارد آمد که حامد کرزی برای شرکت در اجلاس اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد به امریکا رفت. قرار بود وی در حاشیهٔ این اجلاس با مقامات امریکائی و بعضی از شخصیت های کشورهای دیگر نیز ملاقات نماید. این در شرایطی بود که مقامات امریکا از خواست مقامات پاکستانی برای ملاقات با آنان ابا ورزیده بودند. این ملاقات ها می توانست به معنی فشارهای بیشتر بر پاکستان باشد.

بنابراین زمانی که باید استاد ربانی ترور می شد به دقت انتخاب شد و عجیب است که حتی از شخص رئیس جمهور کرزی هم بشکل ناخودآگاه از جانب تروریست ها برای رسیدن به هدف استفاده شد. خبر رسید که پیام مهمی از شورای کویته رسیده است و رئیس جمهور از امریکا به استاد به وسیلهٔ تیلفون می خواهد تا از سفر به امارات صرفنظر نموده به کابل برود و به این ترتیب این فاجعه اتفاق افتاد.

شهادت استاد موجب شد تا رئیس جمهور از شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ملاقات های حاشیوی آن دست بردارد و به کابل برگردد.

سخنان رئیس جمهور کرزی در جمع رهبران جهادی و بعضی از شخصیت های دیگر در مورد اینکه طالبان برنامه ای برای صلح ندارند و باید با پاکستان مذاکره شود، نمایانگر شکست تلاش های صلحی است که کرزی به آن دل بسته بود.

استاد شهید
از روشنگری و دعوت تا بیدارگری و شهادت

پوهندوی جلال فرهیخته

به تخت جم ندهم مصرع نظیری را
کسی که کشته نشد از قبیلهٔ مانیست

علامه اقبال

حیات رجال بزرگ و فحول تاریخ بشری مشحون از حوادث و فراز و فرود است. با نگاهی به صفحات تاریخ جهان عموماً و تاریخ کشورمان، به ویژه، می بینیم که شماری از بزرگمردان و رجال علمی و سیاسی تنها در عرصه های بخصوصی درخشش داشته اند، گاهی هم حوادث و اتفاقاتی مانع استمرار و استکمال این درخشش می شده است. اکثریت رجال تاریخی چهره هایی با برازندگی در یک بُعد و استقامت بوده اند و کمتر سیمایی را می توان سراغ کرد که دارای شخصیتی چند پهلو و همواره رو بکمال داشته باشد. استاد شهید، پروفیسور برهان الدین ربانی از دسته ای اخیر محسوب می شد.

شهید راه صلح و روشنگری و بیداری ملی، استاد برهان الدین ربانی همهٔ عمر پر فیض خود را و قف خدمت به علم و دانش، جهاد و مقاومت در حراست از حریم ارزش های اسلامی، نوامیس ملی و ثروت های فرهنگی و صلح و امنیت نمود و تا آخرین لحضات و رمق های حیات فیضبارش از عنایت و توجه به این ارزش ها مضایقه نکرد.

استاد شهید همانند همه بزرگمردان تاریخ قلبی پرتلاطم و روحی دینامیک و پویا داشت، ایستایی و سکوتی را در خور شان افراد رسالتمند و بیدار نمی دانست. از همینجا هم در شکل گیری نهضت اسلامی افغانستان کلاً و جمعیت اسلامی افغانستان بطور خاصی همت گماشت و کاروان جهاد و مقاومت را بسر منزل مقصود رسانید و موسس نخستین دولت اسلامی در کشورمان شد.

استاد فقید از ظرفیت معنوی والا و بالایی بهره داشت، جاه و مقام سیاسی که بلندترین آن پست ریاست دولت است در نگاه ژرف بین او پدیدهٔ فوق العاده یی نبود. من این ویژگی را در ایشان در زمان آغاز کار شان بحیث رئیس دولت اسلامی افغانستان مشاهده کردم. آن روز که برای تبریکی جناب استاد به کاخ ریاست جمهوری رفتیم، استاد بزرگوار با همهٔ عظمت همراه با تواضع به استقبال ما برخاست و گام هایی چند بسوی ما پیش گذاشت و از ما پذیرایی فرمود.

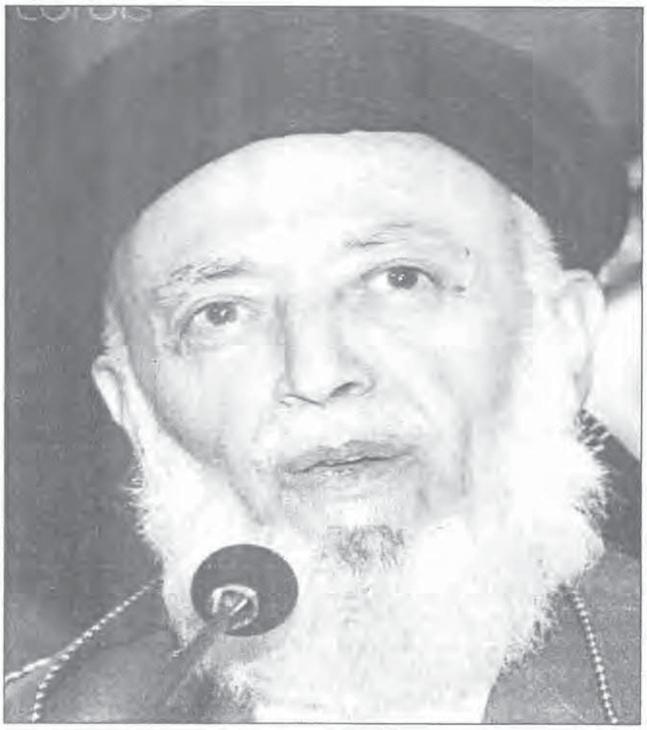
استاد برهان الدین ربانی از حافظهٔ نیرومند خدادادی بهره مند بود، کوچکترین رخداد و حادثهٔ یی را در حیات همسنگران و همراهانش فراموش نمی کرد همواره از یاران و دوستان با همه طیف گستردهٔ آن احوالجویی می نمود. چنانچه در زمستان ۱۳۷۱ بر بنده حادثه یی پیش آمد و در شرایط دشواری قرار گرفتم، بعد از رفع مشکل، هنگامی که پس از دو هفته بدیدار جناب استاد رسیدم، ایشان بمجرد ملاقات از ماجرا و چگونگی آن پرسیدند و آرزوی سلامتی نمودند.

استاد بزرگ در جریان کار های مستمر و شباروزی جهاد آبدیده شده و تجربهٔ بزرگی اندوخته بود. او دیگر تنها یک مدیر و رهبر برازندهٔ امور جهاد و یک تشکل سیاسی نبود، بلکه دیپلوماتی مجرب و کارکشته نیز محسوب می شد. بنده در سفر مسکو (عقرب سال ۱۳۷۰) افتخار همراهی جناب استاد شهید را داشتم. اعضای هیئت در جریان مذکرات با جانب شوروی و روسیه بر سعهٔ صدر و ظرفیت و تمهر بلند سیاسی استاد بزرگوار ملتفت شدند. روتسکوی معاون رئیس جمهوری آن وقت روسیه بر میز مذاکره جناب استاد را دیپلوماتی کار کشته و مجرب خطاب کرد و برمتانت و صلابت شخصیت ایشان اعتراف نمود- علاوه بر آن، روتسکوی در جریان مذاکره، به گناه خود در برابر ملت مجاهد افغانستان معترف شد و وعده داد که با اشتراک در بازسازی افغانستان گناه ارتکاب یافته را جبران نماید. اصلاً مدیریت یک چنان جلسه یی در چنان جوی تنها و تنها از استاد شهید ساخته بود و او آنرا به نحو شایسته ای به انجام رسانید.

یکی از برازندگی های استاد شهید، سعهٔ صدر بالا و بی مانند بود. ایشان هیچگاه، حتی در دشوارترین شرایط به سادگی برکسی آشفته نمی شدند و سنگدل ترین و آشفته ترین افراد هم در ملاقات با ایشان مرهون پیشامد مخلصانه و صمیمانه ایشان می گردیدند. این سعهٔ صدر استاد شهید در مواردی باعث آن می شد که شماری از استفاده جویان و مگس صفتان و جیفه خواران که آرمانی به جز امیال کوچک مادی و حیوانی نداشتند در اطراف آن شهید بزرگ و تجسم روحانیت با نمایش حضور کاذب، به سوء استفاده و اتلاف حقوق مجاهدان و شهداء پرداخته مانع پیشرفت امور اساسی و تفکری شوند و به جیفه و مال منالی دست بیابند، که یافتند ولی فرصت های مناسب کاری را که حق مسلم نهضت اسلامی بود از آن گرفتند. اصلاً تشکل های فکری و سیاسی محل جولان افراد مادی مشرب که معراج همت شان یکی دو موتر و بلند منزل و چند دکان است، نمی باشد. این حضرات می توانند این کار ها را در محل شایسته آن در جنب تاجران و در مارکیت انجام دهند. کار فکری و تفکری همت بلند و ظرفیت معنوی نیاز دارد و این خصیصه در همهٔ مدعیان آن موجود نیست.

در فرجام، آخرین سخنرانی استاد فقید در کنفرانس بیداری اسلامی در تهران بود که من اجمالی از سخنان شهید بزرگوار را از طریق تلویزیون شنیدم. سخنان استاد در این کنفرانس مملو از روح و دینامزم دعوتگرانه بود و خاطرات گذشته را در ذهن تداعی نموده، عظمت و صلابت ایشان را مجسم می ساخت. استاد شهید، رسالت دعوتگرانهٔ خود را با دعوت و روشنگری آغاز و با اشاعهٔ پیام بیداری و صلح به فرجام رسانید.

روانش شاد و مثوایش جناتُ النعیم باد.



شهید راه صلح و روشنگری و بیداری ملی، استاد برهان الدین ربانی همهٔ عمر پر فیض خود را و قف خدمت به علم و دانش، جهاد و مقاومت در حراست از حریم ارزش های اسلامی، نوامیس ملی و ثروت های فرهنگی و صلح و امنیت نمود و تا آخرین لحظات و رمق های حیات فیضبارش از عنایت و توجه به این ارزش ها مضایقه نکرد.

فکر و موقف استاد...

از همه با فکر اسلامی و محیط اسلامی آشنا و همفکر و مجهز شوند و راه آیندهٔ خویش را در پرتو احکام و شریعت اسلامی ترسیم نمایند... استاد همیشه روی کار فکری و فرهنگی تاکید داشتند، تا جایی که رقبای سیاسی جمعیت، طعنه می زدند که این ها هنوز هم به فکر کار فکری و فرهنگی اند و نمی خواهند راه جهاد مسلحانه ادامه یابد...

استاد هرگز مخالفت خود را با جهاد مسلحانه ابراز نداشته بود، بلکه بر ضرورت کار فکری و فرهنگی در کنار جهاد مسلحانه، تاکید داشت...

پس کار فکری و فرهنگی یکی از مشخصات اصلی و اساسی استاد شهید بود، استاد در مورد مبارزهٔ اسلامی و چگونگی آن، رسالهٔ کوچکی نوشته بود، تحت عنوان « چه نوع مبارزه» و در این رساله در مورد ابعاد مختلف مبارزه، مطالب مفیدی نوشته اند، استاد شعار بازی و انقلابی گری ظاهری و نمایشی را رد می کرد و با مبارزهٔ اصلی و اصولی تماس می گرفت و اصول مبارزه را تشریح می کرد...

استاد بسیار محتاط بود تا مجاهدین که به جنگ های تحمیلی کشانیده شده بودند، در جریان جنگ، مرتکب خطا و اشتباه نشوند و افراد بی غرض را آسیب نرسانند... استاد بسیار هوشیار و امیدوار بود که مخالفین نظام حاکم کمونیستی را به دور جمعیت اسلامی جمع کند و از توان و استعداد آن ها استفادهٔ شایانی صورت بگیرد...

استاد درها را باز گشته بود و به تمام استادان و اندیشمندان مهاجر در اسلام آباد پاکستان، انجمن علمی مشورتی تأسیس کرده بود و این عمل استاد شهید نیز موجب قهر و خشم برخی از مجاهدین قرار گرفته بود...

در دفاتر جمعیت در پاکستان در اتاق های نامناسب و غذاهای بسیار ساده از مامورین و مهمانان پذیرایی می شد ولی برای مهمانان جمعیت در انجمن مشورتی، جای بسیار خوب و عالی و غذاهای بسیار خوب و مناسب در اسلام آباد در نظر گرفته شده است!

استاد به فکر و نظر استادان و اندیشمندان کشور احترام قایل بودند و حتی در مدت کوتاه و درازی که در پاکستان اقامت داشتند و بعد به اروپا و امریکا و آسترالیا می رفتند موقع دادند تا نوشته ها و نظریات شان استفاده شود و ما بتوانیم در طرح ها برای آیندهٔ کشور از نظریات همه اندیشمندان استفاده کنیم و تنها به فکر و نظر جمعیتی ها اکتفا ننمائیم.

ادامه دارد

شهید استاد برهان الدین رباني د داملا محمد یوسف زوی، او پر ۱۳۱۹ ل د بدخشان په فیض اباد کې نړۍ ته راغلی دی. دیني زده کړې یې د کابل د امام ابوحنیفه (رح) په مدرسه او د شرعیاتو پوهنځي کې کړي او د مصر له الازهر پوهنتونه یې په عقیده او فلسفه کې ماسټري تر لاسه کړې وه.

د شهید استاد د خپلې وینا له مخې "په هېواد کې یې د اسلام نظام راوستو لپاره پر ۱۳۳۶ ل د یو شمېر استادانو لکه شهید غلام محمد نیازي، سید محمد توانا، وفي الله سمیعي، محمد فاضل، عبدالعزیز فروغ، سید احمد ترجمان او عبدالهادي هدایت سره یې د یوې دیني سیاسي مبارزې هوکړه وکړه"، چې ور پسې د همدوی د هلوځلو له امله په کابل پوهنتون کې د "ځوانانو اسلامي خوځښت"را و ټوکېد او د لومړي ځل اروښاد عبدالرحیم نیازي د شرعیاتو پوهنځی زده کړیال مبارزه په ډاګه کړه.

شهید استادغلام نیازي، چې پر ۱۳۵۱ د خوځښت له مشرۍ استعفی وکړه؛ نو شهید استاد رباني ته مشري ور تر غاړې شوه. په مصر کې د اخوان المسلمین د اسلامي خوځښت له مبارزاتي تجربو له ګټېيې د هېواد اسلامي خوځښت یې د هېوادنیو شرایطو په پامنیوي رهبري کاوه او د چارو د سمون لپاره یې پوهنتوني زده کړیالونو ته لاربښوونه وکړه، چې په شورايي ډول تشکیلاتي مبارزه پر مخ بوځي؛ نو همدا و، چې پر (۱۳۵۰ د میزان ۱۲مه) په پولیتخنیك جومات کې ۲۶۰ تنه راټول او پینځه تنه یې د ځوانانو په کچه مشران وټاکل چې دا دي: اروانښاد انجینر حبیب الرحمان. اروښاد مولوی حبیب الرحمان، اروښاد غلام الرباني عطیش، اروانښاد سیف الدین او ښاغلي حکمتیار.

اسلامي خوځښت د هېواد په کچه زور واخېست او داسې کوځه، کلی او ولسوالي به نه وه، چې د اسلامي خوځښت پلویانو به پکې شتون نه درلود.

شهید استاد، چې د خوځښت چارې رهبري کولې؛ نو د ۱۳۵۲ ل په پیل کې یې د تنظیمولو لپاره د تشکیلاتي جوړښت نوم"جمعیت اسلامي افغانستان" کېښود، چې لومړی منشي یې اروانښاد انجینر حبیب الرحمان و.

دا چې د متوفی شوروی اتحاد لوېڅو، له وخته په هېواد کې مبارزې پیل کړې وې؛ خو و یې نه شو کړای چې خپلو مبارزه ته د اسلامي خوځښت په څېر ملي بڼه ورکړي؛ نو په هر کونج کې به یې د اسلامي خوځښت مخه نیوه او په بېلابېلو نومونو یې تورنول. په تېره بیا چې محمد داود خان د پرچمي افسرانو په ملاتړ پر (۱۳۵۲-۴-۲۶) کودتا وکړه؛ نو لومړی یې د خوځښت غړي تر تعقیب لاندې ونیول او انجینر حبیب الرحمان چې د جمعیت اسلامي منشي و، و نیو، چې پر ۱۳۵۳ ل اعدام شو.

د نیولو لړۍ روانه وه او چې د ۱۳۵۳ ل په اوړي کې یې د شهید استاد رباني د نیونې لپاره د شرعیاتو پوهنځی محاصره کړ؛ نو استاد د خوځښت د غړیو له خوا خوندي او د جلال اباد له لارې د کونړ ولایت څوکۍ او ورپسې پېښور ته هجرت کولو ته اړ شو.

که د اسلامي خوځښت پر غړیو او لارویانو د واکمنو له لوري د اختناق او زندۍ کولو شرایط تپل شوي نه وای او خوځښت پرېښوول شوی وای، چې خپل طبیعي بهیر ووهي؛ نو پر هېواد به اوسني شرایط نه وای راغلي.

له هېواده بهر د اسلامي خوځښت مبارزه له نويو شرایطو سره مخ شوه او دا مو په پام کې وي چې هر هېواد د خپلو ملي ګټو له مخې له بهرنیانو سره چلن کوي؛ نو دا چې د پاکستان د وخت حکومت له محمد داود خان سره د خینوو مسایلو پر سر سرې اړیکې درلودې (چې د موضوع د را لنډولو لپاره ترې تېرېږو)

نو د خوځښت غړي یې خانته تیاری مړی وګڼله، چې د خپلو موخو لپاره یې وکاروي؛ خو دا چې "شهید مشر" ځیرك سیاستپوه و؛ نو ځان یې له دې موخو ښکار نه کړ او د "څه ډول مبارزې؟" په نوم یې مبارزاتي طرح را وایسته، چې نه ښایي موږ خپل اسلامي خوځښت او د خپل هېواد ګټې له نورو ځار کړو، چې د همدې کشمکشونو په پایله کې انشعاب را منځ ته شو او په شهید استاد پسې هغوی ودرېدل چې د ده له مبارزاتي طرح یې ملاتړ کاوه.

دا چې استاد ته په پاکستان مبارزې شرایط چمتو نه و؛ نو له ناچارۍ په سعودي عربستان کې وسېده او چې بیا پر (۱۳۵۷-۲-۷) د خلق دموکراتیك ګوند تر کودتا وروسته پېښور ته راغی او د متوفی شوروی د ګوډاګیانو او ورپسې د "سوسیال استکبار" د سره لښکر پر ضد یې مبارزه پیل کړه، چې په دې مبارزه کې هم تر نورو ښه وځلېد:



"شهید مشر"؛
د یوې "ملي - دیني سیاسي" مبارزې پای

اجرالدین اقبال

د ښوونې او روزنې په اړخ کې د لومړۍ ځل لپاره ښوونځي او لیسې جوړې کړې او د مجاهدینو د پوځي روزنې لپاره یې حربي ښوونځي او حربي پوهنتون جوړ کړل او د فرهنګي فعالیتو له پلوه یې هډو جوړه نه وه. او همدا راز یو شمېر ځوانان یې د لوړو زده کړو لپاره عربي او غربي هېوادونو ته واستول، چې راتلونکي ته ژېرمه وي.

تنظیم ته یې د جذب او بلنې سیاست د سلیقوی خط له مخې نه و؛ بلکې چا به چې د دین پر ښست مبارزه کوله غېږ ورته پرانسته وه؛ نو ځکه د هر اسلامي اندود لارویان پرې راټول وو.

د مجاهدینو د یووالي په باب د شهید استاد دریغ په پخلاینه او یوځایتوب ولاړ و او هېڅ سند نه شته، چې ګنې ده به اړپیچ ته لمن وهلې وي او یا دا چې خپل مجاهدین به یې د نورو تنظیمونو له مجاهدینو سره خپلمنځي جګړو ته هڅولي وي.

د جمعیت اسلامي په سازماني چاپ چلن کې یې ازاد او پرانستي ماحول راوړې و، چې انتقاد او ګوتنیوي پکې ازاد و او په اصطلاح زندۍ توب، فشار او په تنګسه نیول پکې نه وو.

له پوځي اړخه یې خپلو قومندانانو ته د ودې زمینه برابره کړې وه، چې په جهاد کې خپل استعدادونه وغوړوي او په پایله چې د جهاد نامتو سرداران د شهید مشر تر مشرۍ لاندې د هېواد او د دین ګټو ته وفا دار پاتې شول. سره له دې چې د جهاد په وخت کې د جهاد بهرنیو ملاتړ کوونکیو ورسره د یو تاکتیکي دوست په توګه چلن کاوه؛ خو استاد له شته امکاناتو د جهاد د بریا لپاره کار اخسته او په پایله کې یوازې د همدې په مشرۍ جبهات وو، چې رژیم یې را و پر ځاوه او مجاهدین یې په بري کابل ته ور دننه کړل.

لکه چې شهید احمد شاه مسعود، د قدرت اخستو لپاره شهید استاد او د مجاهدینو مشرانو ته پیغام مخابره کړ، چې په ګډه حکومت جوړولو ته یوه خوله شئ، چې دا دریځ د لوړو سیاسي اخلاقو یوه بېلګه وه، که نه هغه کړای شو، په یوازې ځان دا عملیه تر سره کړي، چې ورپسې د مجاهدینو حکومت ته د قدرت د لېږد چار پر (۱۳۷۱-۲-۸)د حضرت صبغة الله مجددي په لاس تر سره شو

شهید استاد ته چې د ۱۳۷۱ د سرطان په لومړۍ لسیزه کې قدرت ورانتقال شو؛ نو هڅه یې دا وه، چې را پېښ اختلافات له منځه یوسي، که څه هم په دې برلاس شو، چې ښاغلی حکمتیار د صدارت چارې تسلیم کړي؛ خو بهرنیو لاسونو او داخلي نادودو دومره وضع خړه پړه کړې وه، چې طالبان پکې را وټوکېدل او استاد و نه شو کړای په کابل کې مرکزي قوي دولت جوړ کړي: نو له ناچارۍ یې مزار شریف ته د خپلې واکمنۍ مقر ولېږداوه او کابل یې د (۱۳۷۵ میزان ۵مه) طالبانو ته ورپرېښود.

که په خورا خیرته په کابل کې د ۱۳۷۱ ل له سرطانه د ۱۳۷۵ ل تر سرطانه د نظام جوړونې او پخلاینې په اړه شهید مشر هلې ځلې په ځیر وڅېړل شي؛ نو استاد په خپلو هلو ځلو کې مخلص و؛ خو د یو لړ دننیو او بهرنیو لاملونو له مخې یې و نه شو کړای چې دا غوټه بیخي پرانځي. او ان طالبانو یې هغه وړاندیز هم و نه مانه، چې د افغانستان او عربستان د عالمانو له لوري دې له اوسني دولت او طالبانو یو نوی حکومت را منځ ته شي.

له کابله تر شا تګ وروسته، له طالبانو سره د مبارزې پړاو پیلېږي، چې په دې پړاو کې بیا هم د شهید مشر په لارښوونه د جګړې د مخنیوي لپاره له طالبانو سره خبرې روانې وې: خو سر یې و نه نیو؛ نو همدا و، چې د دواړو لوریو تر منځ وسله واله مبارزه روانه وه، چې په ترڅ کې یې د یوې سنجول شوې دسیسې له مخې د استاد رباني د دولت د دفاع وزیر احمد شاه مسعود پر (۱۳۸۰ سنبله ۱۸مه) شهید کړای شو.

او د طالبانو پر خلاف د شهید استاد په مشرۍ دولت مبارزه نوي پړاو ته ورننوته او بیا چې درې ورځې وروسته د سپتامبر د یولسمې پېښه را منځ ته شوه: نو د ظاهري منطق له مخې د طالبانو پر خلاف د امریکا د متحده ایالاتو او استاد رباني د دولت موخه یوه شوه، چې په پایله کې طالبان له کابله وشړل شو او کابل د استاد ملاتړو ته په لاس ورغی.

نړیواله ټولنه په بن کې کېناسته، چې افغانستان ته لنډمهاله اداره جوړه کړي: خود شهیداستاد دریځ داو، چې دا غونډه باید دهېواد په دننه کې جوړه شي او بهرنیان باید زموږ د ستونزو دهوارې لپاره زموږ ننګه وکړي نه داچې موږ په ځان په راکاږي؛ نو ځکه هغه یې خاین وباله، چې د دولت په استازیتوب د بن په غونډه کې بې له اجازې بې ګوډره ورګډ شو. او دهېواد د وروستیو لسو کلونو پېښو او حالاتو دا جوته کړه، چې د شهید استاد دریځ پر حق او له ملي ګټو سره یې اړخ لګاوه.

شهید استاد د بن د پرېکړې له مخې په رسمي توګه پر (۱۳۸۰/ جدي/۱) قدرت د لنډ مهالي اداري مشر ښاغلي حامد کرزي ته وروسپاره، چې دا د افغانستان په تاریخ او ان د درېیمې نړۍ په تاریخ کې لومړی واکمن و، چې په سوله ییزه توګه قدرت لېږدوي او دا زموږ نسل ته یوه بېلګه او تاریخي ویاړ دی او هغوی چې په سوله ییزه توګه سیالي مبارزې کوي، د استاد رباني دا عمل ورته د لارې مشال دی.

شهید استاد د قدرت تر ورلېږد وروسته د ۱۳۸۴ کال د ولسي جرګې د ټاکنوتر وخته کوم ځرګند سیالي فعالیت نه درلود. او جمعیت اسلامي یوازې د "مجاهد" اوونېزه خپروله. او د ولسي جرګې په پېنځلسمه دوره کې استاد د بدخشان د خلکو لخوا د رایو په اکثریت ولسي جرګې ته لار پیدا کړه.

د دې دورې تر پای ته رسېدو وروسته، استاد د خپل ذوق له مخې او هم د هېوادنۍ شرایطو په غو ښتنه د سولې هلې ځلې پیل کړې، چې په پایله کې د سولې د شورا رئیس هم وټاکل شو. که څه هم ځینو پرې نیوکې درلودې؛ خو په حقیقت کې دې ډول مبارزې ته رادانګل یو ځانګړې سربښندنه غوښتې، چې د همدې لارې قرباني هم شو.

دا چې استاد له طالبانو سره د سولې بهیر ته ورننوت؛ نو ډېری لاس ته راوړنې درلودې، ان چې د طالبانو په دننه کې یې د دولت په خوا تله درنه کړې وه ا نژدې وه، چې بیخي روانه معادله په هېوادنۍ ګټه راوګرځوي؛ چې دهمدې چارې د مخنیوي لپاره د سنبلې پر (۲۹) مه شهید کړای شو.

دا چې د استاد په مشرۍ دولت له طالبانو سره جنګېدلی و، او هم د ټولنیزې قاعدې له مخې د هېواد شمالي پرګنې یې تر شاوې؛ نو د ده په مشرۍ له طالبانو سره خبرې اترې د ملي یو والي ځرګندونه ده او د هغه مات هډوکي بېرته ګوښېرول، چې د ځینو لاملونو له مخې یې درزکړی و.

اوس نه ښایي، چې دا بهیر ټکنی او پر ټپه ودرېږي، د استاد وینه باید تویه ولاړه نه شي او د سولې بهیر لاګرندی شي؛ ځکه استاد یوې ملي او دیني موخې لپاره فعالیت کاوه او که خدایه مه کړه، دا بهیر په ټپه ودرېږي: نو اصلاً دښمن په خپله موخه کې بریالی شوی ،چې په ګومان مې زموږ د ملي وحدت شیرازې ته هم ګواښ دی؛ نوځکه څه چې د جمعیت اسلامي په اعلامیه کې راغلي د هېواد له ملي ګټو سره اړخ لګوي، چې یوه برخه یې را اخلو:

((د استادشهادت به دهېواد په بېلابېلو برخو په تېره دجمعیت اسلامي افغانستان په چارو کې خورا ټشه رامنځ ته کړي؛ خو ربښتین لارویان به یې په میرانه پر لار ولاړ شي او دخدای په مرسته او د جمعیت اسلامي افغانستان د ښوونو په رڼا کې به پرېنږدي، چې د استاد او نورو شهیدانو په خپلو وینو کښلي پیغامونه تت شي.

موږ دګرد مجاهد ملت له بچیانو او د جمعیت اسلامي افغانستان له غړیو او د استاد له لارویانو د دې سترې فاجعې پر وړاندې د زغم هیله لرو او د "شهید مشر" د میراث او ارزښتونو د پاسوالۍ لپاره دې خپلې لیکې ټینګې کړي، چې د استاد په وینو لیکلې لارې ته دوام ورکړو او د ښوونځي یې پاسوالي وکړو. او باید پوه شو چې دتاریخ په اوږدو کې د سترو نارینه و مرګ د لاځپانده توب او غوړېدو لامل شوی او عظمت یې تر مرګ وروسته لا ښه ځلېږي. او بېشکه چې د استاد شهادت به د لارویانو په تنو کې نوی سا پوه کړي او مومنان له الهي لورنې نهیلي کېږي نه.))

شهیدمشر، د جهاد ، نظام جوړونې او سولې په لار کې خورا هلې ځلې کړې او په پای کې دخپل پاك نیت له مخې د سولې په لار کې شهید شو، چې د سولې د شهید نومول ورسره ښایي.

شهید استاد د جمعیت اسلامي د چارو په باب وصیت نه دی کړی او نه یې څوك خپل ځایناستی ښوولی دی، په دې اړه مې وړاندیز دادی:

چې د چارو د سمبالښت او د شهید مشر د درناوۍ په پامنیوي سره که مشر زوی یې صلاح الدین د لنډ مهال لپاره د جمعیت اسلامي د سرپرستۍ چارې واخلي؛ نو جمعیت اسلامي به له تشکیلاتي پلوه بېرته ځان سمبال کړي او په دې ترڅ کې هغه شخصیتونه او تنظیمونهچې ترې جلا شوي، کېدای شي چې بېرته په یوه دسترخوان سره راټول شي.

د استاد برهان الدين رباني لنډ ژوند ليک



اروابناد استاد برهان الدين رباني د اسلامي خوځښت له بنسټګرو، د جمعيت اسلامي افغانستان مشر، پخواني جمهور رئيس او د ولسي جرګې د پينځلسمې دورې غړی و.

پر ۱۳۱۹ل د بدخشان ولايت په مرکز فيض آباد کې نړۍ ته راغلی او د امام ابوحنيفه (رح) له ديني مدرسې تر فراغت وروسته د شرعياتو په پوهنځي کې شامل او پر ۱۳۴۲ل تری فارغ او پر ۱۳۴۴ل د لوړ زده کړو لپاره د مصر د الازهر پوهنتون ته ولاړ او په اصول الدين او فلسفه کې يې ماسټري ترلاسه کړه.

دهيواد د سولې شهيد استاد رباني په ۱۳۳۶ هـ ش کال ابوحنيفي مدرسې د ۱۱ ټولګي زده کوونکی ؤ

چه د شرعی علومو د مدرسی او دکابل پوهنتون د شرعياتو پوهنځی ځينو استادانو لکه: استاد توانا وفی الله «سميعی». سمندری او قاضی هدايت چه په هغه وخت کی د پغمان د محکمی قاضی ؤ ليدنه وکړه او پدی فکر کی شول چه په څه ډول وکړای شی چه د هيواد د انحرافي مفکورو د څښتنانو په مقابل کی په اسلامي مبارزه پيل وکړی

دا د سولي د شهيد اراده ؤ چه په هيواد کی ئی د اسلامی نهضت لمړنی هسته جوړه کړه دا هماغه وخت ؤ چه شهيد استاد غلام محمد «نيازی» د احاديثو د علومو د زده کړی د ماستری د اخستيو څخه وروسته د هيواد مرکز کابل ته راستون او د شرعياتو د پوهنځی د استادئي ونده ئی ترلاسه کړه او د خپل د تحصيل د دوری تجربی او د غربی نړۍ نظريات ئی نوموړی هستی ته انتقال کړل او لازمی لارښوونی ئی د دوی په واک کی ورکړی.

شهيد استاد د شرعياتو د پوهنځی د فراغت نه وروسته د دی پوهنځی په کدرکی ونده اختياروي.

او په ۱۳۴۴ لمريز کال د مصر د الازهر پوهنتون ته د لوړو زده کړو لپاره سفر کوي او په ۱۳۴۸ لمريز کال بيرته هيواد ته راگرځی او په نوموړی پوهنځی کی د استاد په توګه دنده تر سره کوي.

دا هغه وخت دی چه د پوهنتون محصلين در مرحوم عبدالرحيم «نيازی» چه د شرعياتو د پوهنځی محصل او شهيد انجنير حبيب الرحمن چه د پولي تخنيک د پوهنځی محصل دی دا دواړه د محصلينو پخوانی د مسلمانو خوانانو په نوم حرکت پيلوی.

د ۱۳۵۲ لمريز کال په لمرنيوو ختوکی د شهيد استاد په کورکی چه په خيرخانه کی ئی موقعيت درلود غونډه کوي او د جمعيت اسلامی افغانستان په نوم د تنظيم تشکيلات جوړيږي او پدی غونډه کی شهيد استاد د جمعيت اسلامي افغانستان رهبر– استاد سياف معاون او شهيد انجنير حبيب الرحمن د جمعيت د منشي په توګه ټاکل کيږي.

پر ۱۳۵۲ل چې محمد داوود خان کودتا وکړه؛ نو رژيم چې د "خلق دموکراتيک ګوند" د "پرچم" څانګې تر اغيز لاندې و، د اسلامي خوځښت غړي او پلويان په تنګسه کې ونيول کومو پوځيانو چې په کودتا کې د داوود خان ملاتړ کړی و: نو دوی د دموکراسی په لسيزه او هغه مهال کې د اسلامي خوځښت د پلويانو سيالان وو، چې په ښوونځيو، پوهنتونونو، دولتي ادارو او علمي مراکزو کې يې يو له بل سره سياسي او فکري جګړې درلودې په تيره بيا د کورنيو چارو وزير فيض محمد په ګرد هيواد کې د اسلامي خوځښت د غړيو په نيولو پيل وکړ.

پر ۱۳۵۳ل اروابناد استاد رباني او يو شمير د اسلامي خوځښت غړي، چې د حکومت تر تعقيب لاندې وو او د هغوی د نيول کيدو هڅه وشوه ،له هيواد ووتل او پاکستان ته يې هجرت وکړ او دا چې د پاکستان اسلامي تنظيمونو او د ذوالفقار علي بوټو حکومت د داوود خان له دولت سره سړې اړيکې درلودې: نو دوی ته يې غيږ پرانيسته. د اسلامي خوځښت ځينې مشران او له دې استاد رباني د داوود خان پرضد د وسلوالې مبارزې مخالف وو؛ او خپله طرح يې د "څه ډول مبارزې؟" په نامه په يوه رساله کې را وړاندې کړه او دا چې د اسلامي خوځښت ځينو کړيو د پاکستان له دولت سره نږدې اړيکې درلودې: نو د مهاجرينو منځلاري عناصر يې ترفشارلاندې ونيول؛ نو له مجبوريته يې پاکستان پرېښود، چې په دې ترڅ کې استاد څه موده په عربستان کې تيره کړه.

اروابناد استاد رباني د (۱۳۵۷) تر کودتا وروسته پاکستان ته راستنيږي، او د پخواني شوروي له ګوډاګي حکومتونو سره مبارزه کوي او د سرو پرغلګرو لښکرو تر وتو او مجاهدينو ته د واک ورکولو تر وخته مبارزه کوي.

اروابناد استاد دمجاهدينو تر بريا (۸/۲/۱۳۷۱) او د حضرت صبغت الله مجددي دممثلي دورې تر پای ته رسيدو وروسته واګې ترلاسه کړې او د ۱۳۷۱ په ژمی کې د اهل حل و عقد د شورى په پايله کې دهيواد جمهور رئيس وټاکل شو.

کابل چې د سختو بريدونو لاندې شو: نو د مجاهدينو حکومت پر (۵/۷/۱۳۷۵) کابل طالبانوته ور پرېښود؛ خو دا چې استاد رباني د خپل حکومت مقر مزار شريف ته ليږلی و، تر اوسه د افغانستان د رسمي جمهور رئيس په توګه پيژندل کيده.

امريکا چې پر طالبانو بريد وکړ او طالبان مات شول او حامد کرزي د بن په غونډه کې د افغانستان د لنډ مهالي ادارې رئيس وټاکل شو: نو استاد رباني پر (۱/۱۰/۱۳۸۰) په رسمي مراسمو کې حکومت لنډ مهالي ادارې ته ور وسپاره. استاد د ۱۳۸۴ل په ټاکنو کې په بدخشان کې نوماند شو او د ښه ډيرو رايو په ګټلو يې د ولسي جرګې غړيتوب تر لاسه کړ.

اروابناد استاد د ۱۳۸۹ل په جوزا کې د سولې د شورا مشر وټاکل شو او د شهادت تر ورځې (۲۹/۶/۱۳۹۰) يې په هيواد کې د سولې او امنيت راوستو لپاره خورا هڅې وکړې.

اروابناد استاد له سياسي بوختياوو سره سره په ديني، سياسي او فرهنګي برخو کې څو علمي او ځيرنيز آثار لري او هم څو افتخاري دوکتورا ورته ورکړل شوی. پر ۱۳۸۰ل د علومو اکاډمی ورته د "اکاديميسن" وروستی نړيواله علمي رتبه هم ورکړې وه. شهيد استاد يوځل واده کړي. څلور زامن او شپږلوڼې لري.

اعلامیهٔ جمعی از نویسندگان و ...

استاد شهید مصداق آیه ی شریفه ای گردید که خود پیوسته آن را در محافل تکرار می نمود: یعنی: «از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی هم در انتظارند و هرگز عقیده خود را تبدیل نکردند» (سوره احزاب/ آیت ۲۳).

روحش شاد، دشمنانش روسیاه، راهش پر رهرو و یادش جاودان باد.

اسامی امضا کنندگان:

خواجه بشیر احمد انصاری نویسنده و استاد دانشگاه مقیم امریکا
سمندر غوریانی دانشمند و نویسنده مقیم امریکا
مجیب الرحمن رحیمی نویسنده و تحلیلگر مقیم انگلستان
مطیع الله تائب نویسنده و تحلیلگر مقیم قطر
مولانا نورالهدی فعال سیاسی و اجتماعی مقیم امریکا
اسدالله شعور نویسنده مقیم کانادا
رسول رهین استاد سابق دانشگاه و فعال سیاسی مقیم سویدن
عبد الاحد تارشی شاعر و نویسنده مقیم آلمان
صبور رحیل دولتشاهی نویسنده و تحلیلگر مقیم امریکا
عبدالقدیر فطرت فعال سیاسی مقیم امریکا
ایشان جان عریف فعال سیاسی مقیم امریکا
سید حبیب الله صبار امام مسجد مقیم آلمان
محمد الله ناقد نویسنده و شاعر مقیم ناروی
هارون امیرزاده نویسنده و تحلیلگرمقیم انگلستان
محمد اکرام اندیشمند نویسنده و تحلیلگر مقیم هالند
صادق سروری فعال سیاسی مقیم آلمان
عبدالخالق لعلزاد نویسنده و استاد دانشگاه مقیم انگلستان
عبدالقیوم ملکزاد شاعر و نویسنده، مقیم کانادا
محمدرحیم رحیم استاد سابق دانشگاه مقیم کانادا
مستعین بالله جویا نویسنده وفعال سیاسی مقیم امریکا
میر ویس غیاثی نویسنده و فعال اجتماعی مقیم دنمارک
احمد شایق قسیم فعال سیاسی مقیم انگلستان
توریالی غیاثی نویسنده و فعال اجتماعی مقیم اندونیزیا
سید نظام الدین طاهری فعال سیاسی مقیم در هالند
محمد امین فروتن نویسنده و تحلیلگر مقیم هالند
حبیب رحیمی عارف و فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
خان محمد نظام فعال سیاسی مقیم آلمان
خلیل الرحمن حنانی نویسنده و دپلومات مقیم عربستان سعودی
دلجو حسینی نویسنده و شاعر مقیم ناروی
رحمت الله بیژنپور نویسنده و فعال سیاسی مقیم ناروی
زلمی نشاط فعال سیاسی مقیم انگلستان
سعد الدین سلجوقی فعال فرهنگی و اجتماعی مقیم آلمان
سید ذبیح الله مهدیار نویسنده و فعال سیاسی مقیم سودان
سید ضیاء الحق سبا شاعر و نویسنده مقیم آلمان
سید عبدالقدیر هاشمی فعال اجتماعی مقیم امریکا
سید محمد گیلانی امام مسجد مقیم امریکا
سید مصطفی هاشمی فعال فرهنگی مقیم امریکا
سینا دلیری پژوهشگر و فعال امور سیاسی مقیم کانادا
شاه جهان دوست فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
صفی الله بهارکی فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
عبد الحسیب صاحبی فعال فرهنگی مقیم سویدن
عبد الرحمن قیومی فعال فرهنگی و اجتماعی مقیم آلمان
عبد الرؤف عهید فعال فرهنگی مقیم هالند
عبد القدیر علم نویسنده و فعال سیاسی مقیم هالند
عبد الکریم تایب شریفی فعال فرهنگی و اجتماعی مقیم آلمان
عبد الله بدخشی (محمد جان) فعال اقتصادی مقیم هالند
عبدالجبار آریایی فعال سیاسی مقیم انگلستان
عبدالحی خراسانی فعال سیاسی مقیم انگلستان
عبدالرحیم احمد پروانی نویسنده مقیم کانادا
عبدالرحیم همتی فعال سیاسی مقیم آلمان
عبدالقیوم کریمی فعال سیاسی مقیم انگلستان
عبدالکریم غریق فعال فرهنگی مقیم هالند
عبداللطیف آذر فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
عبدالله خواجه فعال سیاسی مقیم امریکا
عبدالودود سیدی فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
عبدالوهاب فعال سیاسی مقیم لندن
عزیز احمد بارز فعال سیاسی مقیم انگلستان
عزیز الله عزیز فعال سیاسی مقیم لندن
علم خان زردیوی فعال امور اجتماعی مفیم کانادا
عیان الدین هلال فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
غلام ایشان جاهد فعال سیاسی مقیم آسترلیا
غلام دستگیر فعال سیاسی مقیم آلمان
فاروق (استاد) فعال دینی مقیم آلمان
فرید امین فعال فرهنگی مقیم امریکا
فضل الرحمن فاضل نویسنده و دپلومات مقیم اندونیزیا
قوی کوشان فعال فرهنگی مقیم امریکا
متوکل علی الله سیحون فعال سیاسی مقیم آلمان
محمد اسلم خاموش فعال سیاسی مقیم امریکا
محمد اقبال قاری زاده فعال فرهنگی مقیم انگلستان
محمد بصیر فعال فرهنگی مقیم آلمان
محمد سلیم صائب نویسنده و دپلومات مقیم ترکیه
محمد عمر مهربان فعال سیاسی مقیم امریکا
نثاراحمد ایوبی فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
نقیب الله ضایی فعال سیاسی مقیم هالند
همایون باختریانی پژوهشگر، نقاش، شاعر مقیم کانادا
یما رشیدی فعال امور اجتماعی مقیم کانادا
استاد مسعود بدخش فعال سیاسی مقیم کانادا
قاضی عبدالقیوم کریمی فعال سیاسی مقیم کانادا
اسدالله حنیف نویسنده و دیپلومات در کویت
دکتور نظیف الله شهرانی استاد و فعال سیاسی مقیم امریکا
نجیب الله ضیاءالرحمن فعال سیاسی و نویسنده مقیم کانادا
دکتور شمس الحق آریانفر اتشهٔ فرهنگی در تاجیکستان
عبدالله خاموش هروی دپلومات و فعال دینی در کویت
دکتور نصری حقشناس مورخ و نویسنده مقیم آسترالیا

مراسم تشییع پرشکوه پیکر مطهر رهبر

*** نذرالله عنایت**

در پی رخداد هولناک شام روز سه شنبه ۲۹ سنبله که منجر به شهادت جانگذار رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان گردید، واکنش های مقامات دولتی، اپوزیسیون و مردم افغانستان با تفاوت های زیاد ماهوی همراه بود.

حادثهٔ ترور استاد شهید، با دستان پلید تروریزم بین المللی که همراه با حمایت های سازمان های استخباراتی بود، جهان اسلام و تمام آزادی خواهان را در سراسرگیتی تکان داد.

گستردگی تأثر و سوگواری شهادت استاد، به حدی بود که بر اساس اسناد کتبی واصله به دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان بیش از صدها کشور، نهادهای بین المللی، سران احزاب سیاسی، شخصیت های حقیقی و حقوقی ملی و بین المللی ضمن محکوم نمودن ترور استاد شهید مراتب تسلیت و تعزیت خود را ابراز داشته اند. مراسم تشییع جنازه که همراه با تشریفات ویژه در ارگ ریاست جمهوری برگزار گردید، رجال برجستهٔ کشوری، مهمان خارجی بیش از ۱۰۰ کشور جهان شرکت نمودند.

حامد کرزی در مراسم جنازه استاد شهید گفت:" استاد ربانی، " شهید صلح است " راهی را که او انتخاب نموده است برگشت ناپذیر می باشد.

صلاح الدین ربانی فرزند ارشد شهید صلح، طی سخنرانی کوتاه گفت: "افتخار دارم که امروز فرزندان استاد شهید به صف دیگر فرزندان شهدای پرافتخار افغانستان پیوستند!

او تصریح کرد که رهبر شهید پیوسته اصرار داشت، شکست، تسلیم و عقب نشینی در قاموس مکتب انسانی اسلام وجود ندارد.

جمعیت خشمگین:

در مراسم خاک سپاری پیکر مطهر استاد، که به روز جمعه اول میزان صورت گرفت، هزاران تن از هواداران استاد در تپهٔ وزیر محمد اکبر خان جمع آمده بودند و بی صبرانه انتظار ورود جنازه او را می کشیدند. بالاخره در میان شوری از دعا و اشک مردم مسلمان کشور، استاد به خاک سپرده شد.

ص۸

هفته نامه

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

جمعیت اسلامی افغانستان
JAMIAT-E-ISLAMI AFGHANISTAN

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ بیست و چهارم ۱۰میزان ۱۳۹۰ ٤ دوالقعده ۱٤۳۲ - 2 October 2011

اعلامیه جمعی از نویسندگان و فعالان سیاسی- اجتماعی کشور

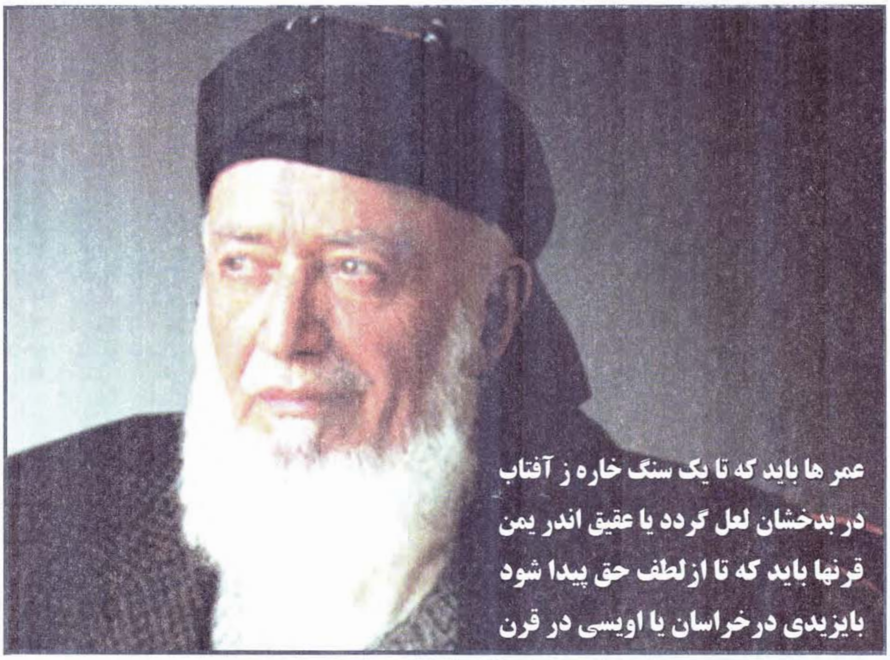
به مناسبت شهادت جانگداز رهبر جهاد و مقاومت و صلح افغانستان

به روز سه شنبه ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۱ کشور ما یکبار دیگر شاهد حادثه تکان دهنده وخونینی بود که به شهادت شخصیت بزرگ تاریخ معاصر افغانستان؛ عالم و دانشمند، نویسنده، رهبر، روحانی و سیاستمدار بزرگ معاصر انجامید.

استاد برهان الدین ربانی که از پنج دهه بدینسو در صحنه سیاست کشور حضوری فعال و تأثیرگذار داشته سنتهای ارزشمند واصول گرانسنگی در عرصه کار سیاسی از خود به میراث گذاشته که ویژگی های عمده ی آنها تواضع در رفتار، ادب در جنگ، ژرف نگری در سیاست، راستی در گفتار، لطف و مهربانی در رهبری، اعتدال در دین و جرأت در سخن است؛ و بزرگترین و قاطع ترین سلاحی که استاد در رویارویی با مخالفان بدان مجهز بود گستردگی دانش وعمق بینش دینی ایشان بود که دشمنان استقرار ، صلح و آزادی و میراثخواران "خوارج" را که در حقیقت "زخم خونین تاریخ اسلام" اند، پیوسته با آن چلنج می داد.

او می گفت که فرهنگ انتحار هیچگونه رابطه ای به دین ما نداشته؛ انتحار کننده مرتکب دوگناه کبیره می شود که یکی قتل خودش بوده و دیگری کشتن دیگران و این جنایتیست مضاعف. الحق همانطوری که جامعه شناسان و به ویژه دورکهایم پدیده انتحار را مظهری از ناتوانی فرد، نشانه یی از بیماری روانی و محصول روابط نابسامان اجتماعی، ضعف وجدان، نا امیدی، و عدم تطابق با جامعه می داند؛ انتحار به هر هدفی که باشد به حکم صریح قرآن و فقه اسلامی و اقوال جمهور فقهاء حرام قطعی بوده و مرتکب آن مستحق عذاب دایمی خداوند می گردد.

ما به دشمنان افغانستان اعلام می داریم که ترور چنین



شخصیت ها نه تنها سودی برای آنها نداشته بلکه کینه و دشمنی مردم ما را در برابر شان مضاعف نموده؛ این شیشه های شکسته را مبدل به هزاران خنجر بران می سازد که در جهت شکست دشمن بکار خواهد رفت. افراط گرایی دینی که ترکیبی از خشونت سیاسی و جمود فکریست توانایی ریشه دوانی در بیشه های خاک و تاریخ پرافتخار ما را ندارد.

ما در حالی که مراتب تسلیت عمیق خویش را به حضور اعضای خانواده ی استاد؛ به ویژه صلاح الدین ربانی تقدیم می نمائیم از پیروان، رهروان، دوستان و شاگردان آن استاد شهید مخلصانه تقاضا می نمائیم تا در جهت پیگیری تشکلی که رؤیای آن بزرگمرد بوده و شورایی را خود بدان هدف تعیین نموده بودند، قدم برداشته و آخرین هدف استاد شهید را که زمینه ی برآوردن اهداف دیگر ایشان را مهیا خواهد نمود، تحقق بخشند. فعال ساختن آن شورا باید در اولویت قرار گیرد و مشکل رهبری هم از همان کانال حل شود. خلای استاد را هیچ شخصیتی نمی تواند پر کند ولی نهادی قانونمند می تواند آن خالیگاه را تا حدی تلافی نماید. برای فرصت طلبان نیز گوشزد می نماییم که استفاده ابزاری در جهت منافع مقطعی سیاسی از صحنه های خونین و تراژیک اهانت به شهدا و خیانت به مردم افغانستان تلقی خواهد شد.

با شهادت استاد، جامعه ما در ماتم رهبر و سیاستمداری بزرگ نشست؛ و کشورهای منطقه حامی صادق استقرار و امنیت را از دست داد، جهان اسلام در فقدان مجاهدی راستین و عالمی وارسته گریست و ملت افغانستان فرزند عزیز و حامی بزرگ استقلال، آزادی، تمامیت ارضی و وحدت ملی خویش را از دست داد.

ص۷

ادامه از صفحه ۷

مراسم تشییع پرشکوه پیکر مطهر رهبر بزرگ

شور وهیجان:

در آن روز که بنده در میان انبوه جمعیت قرار داشتم، شور و هیجان سراسر تپه را فرا گرفته بود، انگار زمین و زمان با یک صدا با مرگ استاد همراه با مردم سوگوار، مویه می کشیدند.

در تپهٔ وزیر اکبر خان به دلیل فضای نامطمئن امنیتی، همه هراسان و بیمناک به نظر می رسیدند. با وجود تدابیر شدید امنیتی انتظار هرگونه حمله، از سوی دشمنان مردم افغانستان محتمل به نظر می رسید.

داکترعبدالله عبدالله رهبر ائتلاف "تغییر و امید" و امر الله صالح رئیس پیشین امنیت ملی، با انتقاد های تند، برخی مقامات حکومت را متهم به دست داشتن به ترور استاد شهید نمودند و خواهان بسته شدن پروندهٔ مصالحه با شورشیان شدند.

استاد عطاء محمد نور والی ولایت بلخ نیز طی سخنان کوتاه گفت: با شهادت استاد کسی که صادقانه می خواست در کشور دیگر صدای فیر شنیده نشود، صلح با جنایت کاران و قاتلان دیگر معنایی ندارد.

ایجاد کمیسیون برای بررسی پرونده:

یک روز بعد از مراسم تدفین جنازه، حامد کرزی با ایجاد کمیسیونی که در ترکیب آن وزرای دفاع، داخله، سرپرست امنیت ملی و لوی سارنوال کشور شامل اند، خواهان پیگری پروندهٔ شهادت استاد شد.

دو روز بعد از ایجاد این کمیسیون، مسوولان امنیت ملی اعلام کرده اند که فردی را به نام حمیدالله در ارتباط به قضیه، دستگیر کرده اند که اعترافات ابتدایی او می تواند دولت را به یافتن حقایق در این زمینه کمک کند.

اما آگاهان بدین باورند که در پی شهادت چندین مقام ارشد دولتی، کار کمیته های تحقیق، هرگز اعلام نشده و بی نتیجه باقی مانده است. در همین حال، برخی از اعضای جمعیت اسلامی طی گردهمایی ها خواستار تحقیقات رسمی تحت نظر سازمان ملل متحد شده است.

تظاهرات مردمی:

در واکنش با شهادت استاد ربانی مردم در سراسرکشور به ویژه پایتخت ولایت های شمالی، غرب و جنوب غرب دست به تظاهرات زدند و به عاملان این حادثه نفرین فرستادند.

راهپیمایان با سردادن شعار های مرگ به عاملان ترور، طالبان، باندهای تروریستی و حامیان آنان را در برون از مرزهای شرقی افغانستان متهم به شهادت استاد شهیدنمودند.

تظاهرکنندگان حکومت را متهم به کوتاهی در حفظ جان رهبر شهید نموده و برخی از مقام ها را متهم به تشویق او، برای دیدار با فرد بمبگذار کردند. راه پیمایان خشمگین از آنهایی که برای این دیدار زمینه سازی کردند، نیز به شدت انتقاد نموده اند. در این راهپیمای ها حضور دانشجویان دانشگاه های کشور و جوانان قابل درک بود.

عزای ملی:

یک روز پس از حادثهٔ شهادت استاد، دولت افغانستان برای سه روز عزای ملی اعلام نمود. طی این سه روز دفاتر دولتی و غیر دولتی تعطیل بود و تردد مردم در شهر ها کمتر دیده می شد.

مراسم فاتحانه خوانی:

مراسم ختم قرآن کریم و فاتحه خوانی نیز در سراسر کشور به شکل بی سابقه ای برگزار گردید. مردم متدین برای خشنودی روح رهبر جهاد و مقاومت ملی، همایش های قرآنی و دعاخوانی برگزار نموده به روح آن ابر مرد تاریخ و سایر شهدای راه استقلال و آزادی اتحاف دعا نمودند.

عمده ترین این همایش ها در جوار مزار شهید روز پنجشنبه ۷ میزان در تپه ای وزیر محمد اکبر خان و به روز جمعه ۸ میزان در حوزهٔ علمیه خاتم الانبیاء واقع دشت برچی تدویر یافت.

روح همه شهدای افغانستان شاد باد